

ایجاد سازوکارهای بین دولتی حقوق بشری: بررسی فعالیت‌ها در حوزه اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و جنبش عدم تعهد

کامران هاشمی^۱

چکیده: این مقاله زمینه‌هایی که نهادهای منطقه‌ای موجود در کشورهای مسلمان ممکن است در آن به همکاری در زمینه ترویج و حمایت از حقوق بشر بپردازند و یا سازوکارهای حقوق بشری ایجاد نمایند را مورد بررسی قرار می‌دهد. در حالی که نظام‌های منطقه‌ای موجود اروپایی، آفریقایی و آمریکایی حقوق بشر کمابیش در چهار حوزه از پنج حوزه ۱. ترویج حقوق بشر، ۲. ارتقای حقوق بشر، ۳. هنجارسازی حقوق بشر، ۴. نظارت بر اجرای حقوق بشر، ۵. تشکیل محاکم حقوق بشری فعالیت می‌نمایند. سؤال اساسی مورد توجه این نوشتار آن است که نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشری بین کشورهای مسلمان در کدام یک از این پنج حوزه امکان فعالیت دارد. ارزیابی میزان حمایت سازوکارهای جدید حقوق بشری از جانب سازمان کنفرانس اسلامی و یا اتحادیه عرب به‌عنوان سازمان‌های بین دولتی که نظام حقوق بشری مورد نظر در آنها ایجاد شده یا خواهد شد دیگر مبحث این مقاله می‌باشد. مقاله همچنین تجربه حضور دولت‌های مسلمان در دیگر نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشری که برای تکامل چنین سازوکارهای بین اسلامی ممکن است مورد بهره‌برداری قرار گیرد را به بحث خواهد گذاشت. مقاله در پایان نتیجه می‌گیرد هر نوع اقدامی برای استقرار نظام جدید حقوق بشری بین کشورهای مسلمان، از آنجا که بر مبنای هویت اسلامی شکل می‌گیرد، باید در مقایسه با نظام‌های بین دولتی حقوق بشری موجود گامی به جلو در جهت ارتقای دستاوردهای جهانی حقوق بشری جلوه‌گر شود.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، کشورهای مسلمان، نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشری، سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، جنبش عدم تعهد، کمیسیون عربی حقوق بشر.

۱. دکتر کامران هاشمی، رئیس مرکز جنبش عدم تعهد برای حقوق بشر و تنوع فرهنگی و مدرس حقوق بشر

مقدمه

علاوه بر نهادهای حقوق بشری وابسته به سازمان ملل متحد، در حال حاضر فعالیت سه نظام منطقه‌ای حقوق بشری را شاهدیم که عبارتند از: نظام‌های اروپایی، آمریکایی و آفریقایی که به ترتیب در دل سازمان‌های منطقه‌ای شورای اروپا، سازمان کشورهای آمریکایی و سازمان وحدت آفریقا^۱ ایجاد شده‌اند.^۲

نهادهای حقوق بشری اعم از بین‌المللی یا منطقه‌ای در سیر تکوینی خود در پنج حوزه مختلف فعالیت نموده‌اند که عبارتند از: ترویج حقوق بشر، ارتقای حقوق بشر، هنجارسازی، نظارت بر اجرای حقوق بشر و نهایتاً تشکیل محاکم مدنی و کیفری حقوق بشری. ترویج حقوق بشر اقداماتی از قبیل: آموزش حقوق بشر را شامل می‌گردد، ارتقای حقوق بشر به مواردی چون تغییر قوانین و بهبود نظام قضایی اطلاق می‌گردد و هنجارسازی از طریق تصویب اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری نمود می‌یابد.

وظایف نظارتی نهادهای حقوق بشری از ساده‌ترین شکل آن یعنی بررسی گزارش ادواری دولت‌ها شروع می‌شود، در مراحل بعدی اعزام گزارشگران و بازرسان را شامل می‌شود و در مراحل پیشرفته‌تر اقدامات شبه قضایی چون رسیدگی به شکایات فردی را شامل می‌گردد. نهایتاً روند رو به گسترش جهانی در حمایت از حقوق بشر تشکیل محاکم کیفری بین‌المللی را نیز به همراه داشته است که نقطه تبلور آن تشکیل دیوان کیفری بین‌المللی می‌باشد.

سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه عرب بزرگ‌ترین سازمان‌های بین‌دولتی هستند که اعضایشان را فقط کشورهای مسلمان تشکیل می‌دهند. در اوایل دهه ۱۹۹۰ هر یک از این دو سازمان یک سند حقوق بشری را تصویب کردند که به ترتیب اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام^۳ و دیگری میثاق عربی حقوق بشر^۴ نام دارند. پس از آن فعالیت‌های حقوق بشری این دو سازمان تقریباً برای بیش از یک دهه متوقف ماند تا این که در اواسط دهه بعد با جهت‌گیری جدیدی مجدداً از سر گرفته شد؛ روندی که

۱. سازمان وحدت آفریقا در سال ۲۰۰۱ به اتحادیه آفریقا مبدل شد.

۲. برای مطالعه بیشتر در مورد این سه نظام منطقه‌ای ر.ک: سیدقاسم زمانی، امیر ساعدوکیل و پوریا عسکری، «نهادهای سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۶.

۳. مصوبه اجلاس وزرای خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در ۵ اوت ۱۹۹۰.

U.N. GAOR, World Conference on Human Rights, 4th Sess., Agenda Item 5, U.N. Doc. A/CONF.157/PC/62/Add.18 (1993).

۴. مندرج در: 18 Hum. Rights Law Journal, 151 (1997)

در مارس ۲۰۰۸ به تصویب منشور جدید سازمان کنفرانس اسلامی،^۱ که تأکید خاصی بر حقوق بشر داشت، انجامید. از طرف دیگر، متن جدید میثاق عربی حقوق بشر^۲ در همان زمان لازم‌الاجرا گردید. علاوه بر این دو سازمان منطقه‌ای، ۵۲ کشور از ۵۷ کشور مسلمان عضو جنبش عدم تعهد می‌باشند. اجلاس ویژه وزرای جنبش که در سپتامبر ۲۰۰۷ در تهران برگزار شد تصمیم گرفت نهادی را تحت عنوان «مرکز جنبش عدم تعهد برای حقوق بشر و تنوع فرهنگی» در کشورمان تأسیس نماید.

در این مقاله زمینه‌هایی که نهادهای موجود یا بالقوه در میان کشورهای مسلمان ممکن است در آن به همکاری در جهت ترویج و حمایت از حقوق بشر بپردازند و یا در این راستا سازوکارهای جدید منطقه‌ای حقوق بشری تأسیس کنند، بررسی می‌شود.

مقاله همچنین تجربه حضور دولت‌های مسلمان در دیگر نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشری را برای ایجاد و یا تکامل چنین سازوکارهایی مطالعه می‌نماید. سئوالات دیگری نیز مطرح هستند که این مقاله پاسخ به آن‌ها را هم مدنظر خواهد داشت. اول این که آیا سازمان کنفرانس اسلامی و یا اتحادیه عرب، به‌عنوان سازمان‌های بین دولتی که نظام مورد نظر حقوق بشری در درون آن‌ها ایجاد شده یا خواهد شد، حمایت کافی از سازوکارهای جدید حقوق بشری معمول خواهند داشت. دیگر آن که در حالی که در نظام اروپایی حقوق بشری، حقوق مدنی و سیاسی در اولویت هستند و در نظام آفریقایی حق تعیین سرنوشت و حقوق خلق‌ها مورد توجه ویژه بوده‌اند، در نظام مورد نظر با توجه به این که تنها عنصر مشترک بین اعضا هویت اسلامی آن‌ها می‌باشد، کدام ابعاد حقوق بشری بیشتر مورد توجه واقع خواهد شد و در این راستا تصویب چه اسناد حقوق بشری (الزام‌آور و غیرالزام‌آور) پیش‌بینی می‌شوند. در ارتباط با سؤال اخیر مشاهده خواهد شد که در اسناد حقوق بشری صادره توسط دو سازمان فوق، موضوع هویت اسلامی چگونه منعکس شده‌اند. در همین ارتباط استدلال خواهد شد که کشورهای مسلمان در سال‌های اخیر سعی نموده‌اند در گفتمان اسلام و حقوق بشر از یک موضع تدافعی خارج شده، موضعی ایجابی در پیش گیرند. نهایتاً در راستای این تغییر موضع نقشی که مرکز جدیدالتأسیس جنبش عدم تعهد برای حقوق بشر و تنوع فرهنگی می‌تواند ایفا نماید مورد توجه قرار خواهد گرفت.

۱. مصوب یازدهمین اجلاس سران کنفرانس اسلامی در داکا، ۱۴ مارس ۲۰۰۸.

۲. در ۱۵ مارس ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا شد. مندرج در: Int'l Hum. Rts. Rep. 893 (2005)

کشورهای مسلمان و منطقه‌گرایی

اصطلاح «کشورهای مسلمان» در این مقاله اشاره به ۵۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی دارد که اکثر جمعیتشان مسلمان است. شناخته‌ترین گروه‌ها و سازمان‌های بین‌دولتی که اعضای آن را منحصرأ کشورهای مسلمان تشکیل می‌دهند عبارتند از: سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، سازمان همکاری‌های اقتصادی (ا.ک.و)، شورای همکاری خلیج فارس و گروه هشت کشور در حال توسعه یا دی‌هشت. پس از تلاش رژیم صهیونیستی برای به آتش کشیدن مسجدالاقصی نخستین اجلاس سران کشورهای اسلامی که در رباط پایتخت مراکش تشکیل شده بود در ۲۵ سپتامبر ۱۹۶۹ تصمیم گرفت سازمان کنفرانس اسلامی را تأسیس نماید.^۱ اجلاس مذکور همچنین تصویب نمود که دولت‌های مسلمان در چارچوب سازمان مذکور به همکاری نزدیک و کمک متقابل در زمینه‌های اقتصادی، علمی، فرهنگی و معنوی بپردازند. منشور سازمان کنفرانس اسلامی در نشست سوم کنفرانس وزرا در مارس ۱۹۷۲ به تصویب رسید. سازمان کنفرانس اسلامی از نظر تعداد اعضا، سومین نهاد بین‌الدولی پس از سازمان ملل متحد و جنبش عدم‌تعهد محسوب می‌شود و در چهار قاره جهان دارای عضو است. اعضای سازمان کنفرانس اسلامی به سه گروه اصلی جغرافیایی عربی، آفریقایی و آسیایی تقسیم می‌شوند. گروه آسیایی شامل این کشورها می‌شود: شش کشور آسیای مرکزی و قفقاز که عبارتند از: آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان؛ چهار کشور شرق آسیا که عبارتند از: بنگلادش، برونئی دارالسلام، اندونزی و مالزی. و نهایتاً پاکستان، ایران و ترکیه، که هم آسیایی و هم اروپایی محسوب می‌شود.

گروه عربی بیست و دو عضو سازمان کنفرانس اسلامی را در بر می‌گیرد. از این تعداد ده کشور در آفریقا واقع شده‌اند: الجزایر، کومور، جیبوتی، مصر، لیبی، سودان، سومالی، موریتانی، مراکش و تونس؛ چهار کشور در خاورمیانه مرکزی قرار گرفته‌اند: فلسطین، اردن، لبنان، سوریه؛ و هشت کشور در منطقه خلیج فارس واقع هستند: عراق، بحرین، کویت، امارات عربی متحده، یمن، قطر، عربستان سعودی و عمان. بیست کشور غیر عرب آفریقایی در سازمان کنفرانس اسلامی عضو هستند که این کشورها عبارتند از: بنین، بورکینافاسو، کامرون، چاد، ساحل عاج، گابن، گامبیا،

۱. در مورد چگونگی شکل‌گیری سازمان کنفرانس اسلامی نگاه کنید به:

گینه، گینه بیسائو، گویان، مالدیو، مالی، موزامبیک، نیجر، نیجریه، سنگال، سیرالئون، سورینام، توگو و اوگاندا. سرانجام دو کشور دیگر عضو سازمان کنفرانس اسلامی یکی در اروپا و دیگری در آمریکای جنوبی قرار گرفته اند که به ترتیب عبارتند از: آلبانی و سورینام.

اعضای سازمان کنفرانس اسلامی طبعاً عضو دیگر سازمان‌های بین‌الدولی نیز هستند. تمامی این کشورها به جز ترکیه، آلبانی و سه کشور آسیای مرکزی و قفقاز یعنی قرقیزستان، تاجیکستان و آذربایجان از اعضای جنبش عدم‌تعهد به شمار می‌روند. از این رو ۵۲ عضو از ۱۱۸ عضو جنبش عدم‌تعهد را کشورهای مسلمان تشکیل می‌دهند. سی عضو سازمان کنفرانس اسلامی، یعنی ده کشور عربی و بیست کشور غیرعربی در آفریقا عضو سازمان اتحادیه آفریقا می‌باشند. همچنین ۲۲ کشور عربی، عضو اتحادیه عرب می‌باشند. بنابراین ده کشور عربی - آفریقایی عضو سازمان کنفرانس اسلامی هم‌زمان عضو دو سازمان دیگر، یعنی اتحادیه آفریقا و اتحادیه عرب نیز هستند. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، پس از سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب با بیست‌ودو عضو دومین سازمان بزرگ بین‌الدولی در میان کشورهای مسلمان است. اتحادیه عرب در ۲۲ مارس ۱۹۴۵ با شش عضو در قاهره شکل گرفت که عبارت بودند از: مصر، عراق، اردن، لبنان، عربستان سعودی و سوریه. هدف اصلی اتحادیه عرب به‌وجود آوردن روابط نزدیک‌تر بین دولت‌های عضو و هماهنگی و تشریک مساعی فی‌مابین، به منظور حفاظت از استقلال و حاکمیت و به طور کلی امور و منافع مشترک اعضا است.^۱ سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو) در سال ۱۹۸۵ به‌وسیله ایران، پاکستان و ترکیه به منظور توسعه همکاری‌های اقتصادی، تکنیکی و فرهنگی میان کشورهای عضو، تأسیس شد. این سازمان جایگزین سازمان همکاری‌های منطقه‌ای شد که در سال ۱۹۶۲ بین سه کشور فوق تشکیل شده و در سال ۱۹۷۹ فعالیت‌هایش خاتمه یافته بود. در سال ۱۹۹۲ اگو هفت عضو جدید را پذیرفت که عبارت بودند از: افغانستان، آذربایجان، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان. شورای همکاری خلیج‌فارس شامل شش کشور عربی حوزه خلیج‌فارس می‌شود. این سازمان با هدف همکاری‌های اقتصادی و اجتماعی در ۲۵ مه ۱۹۸۱ به وجود آمد و اعضای آن عبارتند از: بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات عربی متحده.

۱. نگاه کنید به منشور اتحادیه عرب. این منشور در ۲۲ مارس ۱۹۴۵ بین کشورهای عرب به امضا رسید به استثنای یمن که آن را در ۵ مه همان سال امضا نمود:

گروه دیگری که جدیداً بین کشورهای مسلمان پدید آمده و یک اتحاد در زمینه توسعه را شکل می‌دهد گروه هشت کشور در حال توسعه یا «دی هشت» می‌باشد. گروه دی هشت پس از اعلامیه استانبول، در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۷ تأسیس شد و متشکل از هشت کشور مسلمان در حال توسعه: بنگلادش، مصر، اندونزی، ایران، مالزی، نیجریه، پاکستان و ترکیه می‌باشد.

عضویت کشورهای مسلمان در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری

تمامی کشورهای مسلمان عضو پیمان‌نامه حقوق کودک^۱ هستند و اکثریت آن‌ها معاهدات اصلی بین‌المللی در زمینه حقوق بشر را تصویب کرده‌اند. در میان کشورهای اسلامی برونئی دارالسلام، مالزی و عمان کمترین علاقه به پیوستن به معاهدات حقوق بشری را از خود نشان داده‌اند. ذیلاً وضعیت الحاق یا عدم‌الحاق کشورهای مسلمان به مهم‌ترین معاهدات مهم حقوق بشری مورد توجه قرار گرفته است: دو کشوری که تاکنون به «پیمان‌نامه محو کلیه اشکال تبعیض نژادی»^۲ ملحق نشده‌اند، عبارتند از: برونئی و مالزی.

چهار کشوری که عضو «پیمان‌نامه محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان»^۳ نیستند عبارتند از: برونئی، ایران، سومالی و سودان.

هفت کشوری که به پیمان‌نامه مبارزه با شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های وحشیانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز^۴ ملحق نشده‌اند عبارتند از: برونئی، ایران، عراق، مالزی، عمان، سومالی و سورینام. این کنوانسیون ۱۴۶ عضو دارد.

۱. این پیمان‌نامه در ۲ مارس ۱۹۹۰ لازم‌الاجرا شد.

Convention on the Rights of the Child (CRC) , G.A. Res. 44/25, annex, 44 U.N. GAOR Supp. (No. 49) at 167, U.N. Doc. A/44/49 (1989).

۲. این پیمان‌نامه در ۴ ژانویه ۱۹۶۹ لازم‌الاجرا شد.

Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination (ICERD), G.A. Res. 2106 (XX), Annex, 20 U.N. GAOR Supp. (No. 14) at 47, U.N. Doc. A/6014 (1966), 660 U.N.T.S. 195.

۳. این پیمان‌نامه در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ لازم‌الاجرا شد.

Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (CEDAW) , G.A. Res. 34/180, U.N. GAOR, 34th Sess., Supp. No. 46, at 193, U.N. Doc. A/34/46 (1980), , 1249 U.N.T.S. 13, Reprinted in 19 I.L.M. 33 (1980).

۴. این پیمان‌نامه در ۲۶ ژوئن ۱۹۸۷ لازم‌الاجرا شد.

Convention against Torture and other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment⁴ (CAT), G.A. Res. 39/46, [annex, 39 U.N. GAOR Supp. (No. 51) at 197, U.N. Doc. A/39/51 (1984)].

هفت کشوری که به میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^۱ نپیوسته‌اند عبارتند از: برونی، مالزی، موزامبیک، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات عربی متحده. نه کشوری که عضو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲ نیستند عبارتند از: برونی، کومور، گینه بیسائو، مالزی، عمان، پاکستان، قطر، عربستان سعودی و امارات عربی متحده.

تعهد کشورهای مسلمان به نظارت‌های ویژه و یا رویه‌های شکایت فردی حقوق بشری بین‌المللی نیز می‌تواند به‌عنوان معیاری جهت ارزیابی آمادگی آن‌ها برای حضور در مراحل بالاتر رویه‌های نظارتی و شکایت فردی در نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشری، مورد ملاحظه قرار گیرد. ذیلاً چگونگی پذیرش این ترتیبات در میان کشورهای مسلمان مورد مقایسه قرار گرفته است:

۲۹ عضو از ۱۱۲ عضو پروتکل اول اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی^۳، که به افراد اجازه تسلیم شکایت می‌دهد، کشورهای مسلمان هستند. این کشورها عبارتند از: آلبانی، الجزایر، آذربایجان، بنین، بورکینافاسو، کامرون، چاد، ساحل عاج، جیبوتی، گامبیا، گینه، گینه بیسائو، گویان، قزاقستان، قرقیزستان، لیبی، مالدیو، مالی، نیجر، سنگال، سیرالئون، سومالی، سورینام، تاجیکستان، توگو، ترکیه، ترکمنستان، اوگاندا و ازبکستان.

۱۶ عضو از ۴۹ عضو پروتکل اختیاری پیمان‌نامه مبارزه با شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های وحشیانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز^۴ که یک نظام بازرسی بین‌المللی را برای اماکن بازداشت تأسیس می‌کند، کشورهای مسلمان هستند. این اعضا عبارتند از: آلبانی، آذربایجان، بنین، بورکینافاسو، گابن، گینه، قزاقستان، قرقیزستان، لبنان، مالدیو، مالی، نیجریه، سنگال، سیرالئون، توگو و ترکیه.

۱. این میثاق در ۳ ژانویه ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد.

International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)
G.A. Res. 2200A (XXI), 21 U.N. GAOR Supp. (No. 16) at 49, U.N. Doc. A/6316 (1966), 993 U.N.T.S. 3.

۲. این میثاق در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد.

International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), G.A. Res. 2200A (XXI), 21 U.N. GAOR Supp. (No. 16) at 52, U.N. Doc. A/6316 (1966), 999 U.N.T.S. 171.

۳. این پروتکل اختیاری در ۲۳ مارس ۱۹۷۶ لازم‌الاجرا شد.

First Optional Protocol to the ICCPR, G.A. Res. 2200A (XXI), 21 U.N. GAOR Supp. (No. 16) at 59, U.N. Doc. A/6316 (1966), 999 U.N.T.S. 302.

۴. این پروتکل در دسامبر ۲۰۰۲ به تصویب رسید.

Optional Protocol to CAT, G.A. Res. A/RES/57/199, [reprinted in 42 I.L.M. 26 (2003)].

هشت کشور الجزایر، آذربایجان، کامرون، قزاقستان، سنگال، توگو، تونس و ترکیه در میان ۶۹ کشوری هستند که بند ۲۲ پیمان نامه ضد شکنجه را پذیرفته‌اند، که مطابق آن سازوکار شکایت فردی اجرا می‌شود.

۲۱ عضو از ۹۸ عضو پروتکل اختیاری پیمان نامه منع تبعیض علیه زنان^۱ که صلاحیت کمیته مربوطه را برای دریافت و رسیدگی به شکایات فردی به رسمیت می‌شناسد، از کشورهای مسلمان هستند.

این اعضا عبارتند از: آلبانی، آذربایجان، بنگلادش، بنین، بورکینافاسو، گابن، گینه بیسائو، اندونزی، قزاقستان، قرقیزستان، لیبی، مالدیو، مالی، نیجر، نیجریه، سنگال، سیرالئون، تاجیکستان، تونس، ترکیه و ترکمنستان.

چهار کشور الجزایر، آذربایجان، قزاقستان و سنگال در میان ۵۳ کشوری هستند که رویه ارائه شکایات فردی کمیته محو تبعیض نژادی را طبق ماده ۱۴ کنوانسیون مربوطه پذیرفته‌اند.

بنابراین، در میان اعضای پذیرنده نظارت‌ها و یا رویه‌های شکایت فردی بر طبق معاهدات حقوق بشری ملل متحد که در بالا ذکر شد، این کشورها حضور قابل توجه دارند: الجزایر، آلبانی، ترکیه، بنین، بورکینافاسو، مالدیو، مالی، نیجریه، سنگال، سیرالئون، توگو، تونس، آذربایجان، قزاقستان و قرقیزستان. همچنین به جز سه کشور اخیر آسیای مرکزی، بقیه کشورها در سازوکارهای نظارتی و یا رویه شکایات فردی نظام‌های منطقه‌ای آفریقایی و یا اروپایی حقوق بشری نیز عضویت دارند.

حدود نیمی از کشورهای مسلمان علاوه بر عضویت در سازوکارهای نظارتی و شکایات فردی حقوق بشری ملل متحد، عضو سازوکارهای مربوطه در یکی از سه نظام منطقه‌ای عمده حقوق بشر نیز هستند.

توضیح آن که تمامی ۳۰ کشور مسلمان آفریقایی عضو نظام آفریقایی حقوق بشر هستند، ترکیه و آلبانی عضو نظام اروپایی حقوق بشر هستند و سورینام عضو نظام آمریکایی حقوق بشر می‌باشد. به‌علاوه همان‌گونه که اشاره خواهد شد نظام عربی حقوق بشر نیز اخیراً موجودیت یافته است که در حال حاضر هفت کشور الجزایر، لیبی، بحرین، امارات عربی متحده، اردن، فلسطین و سوریه در آن عضویت دارند.

۱. این پروتکل در ۲۲ دسامبر ۲۰۰۰ لازم‌الاجرا شد.

اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام

با وجود تفاوت دیدگاه‌های اندیشمندان مسلمان در موضوع اسلام و حقوق بشر نهایتاً ۴۵ وزیر خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در ۵ اوت ۱۹۹۰ بر یک سند که به اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام معروف است توافق نمودند. در واقع این اعلامیه صرفاً حاصل جلسات رسمی سازمان کنفرانس اسلامی نبود بلکه نتیجه بهره‌گیری از برخی اسناد قبل همچون «اعلامیه داکا در مورد حقوق بشر در اسلام»^۱ و حاصل مباحث پیگیر علما و اندیشمندان معروف از ایران و سایر کشورهای مسلمان بود که آخرین نشست آن‌ها قبل از اجلاس قاهره در دسامبر ۱۹۸۹ در تهران برگزار شد.

علت دیگر اهمیت این اعلامیه در شناسایی بین‌المللی آن است چرا که هر دو نسخه عربی و انگلیسی آن رسماً قبل از کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین در سال ۱۹۹۳ توسط سازمان کنفرانس اسلامی به سازمان ملل ارائه شد. همچنین همان‌گونه که در ادامه توضیح داده خواهد شد، این اعلامیه در اسناد بعدی حقوق بشری سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه عرب بارها مورد ارجاع قرار گرفته است. نهایتاً براساس قطعنامه‌ای که به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران به وسیله سی‌وسومین جلسه شورای وزیران امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی^۲ در سال ۲۰۰۸ تصویب شد، پنجم اوت (۱۵ مرداد) هر سال به مناسبت سالگرد تصویب اعلامیه قاهره «روز جهانی حقوق بشر اسلامی و کرامت انسانی» نام‌گذاری شده است.^۳

اعلامیه قاهره در پیروی از الگوی اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۲۳ ماده خود یک فهرست طولانی از حقوق بشر مورد تأکید شریعت اسلامی را ارائه می‌نماید. این اعلامیه انتقادات گسترده‌ای را به‌ویژه از جانب ناظران غیرمسلمان به همراه داشته است که عمدتاً به دلیل ارائه فهرست ناقص از حقوق و آزادی‌ها به‌ویژه آزادی مذهب می‌باشد. براساس این انتقادات اعلامیه همچنین تمایزاتی در برخی حقوق بر مبنای جنسیت و

۱. مصوب کنفرانس اسلامی وزارت خارجه در دسامبر ۱۹۸۳

"Dhaka Declaration on Human Rights in Islam"

۲. در منشور جدید سازمان کنفرانس اسلامی که در ادامه در مورد آن توضیح داده خواهد شد نام کنفرانس اسلامی وزرای خارجه Islamic Conference of Foreign Ministers (ICFM) به شورای وزرای خارجه سازمان کنفرانس اسلامی Council of Foreign Ministers (CFM) تغییر نام یافت.

۳. مصوبه سی‌وپنجمین نشست شورای وزرای خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در کامپالا - اوگاندا ۲۰-۱۸ ژوئن ۲۰۰۸.

OIC/CFM-35/2008/POL/RES/FINAL, The 35th Session of the Council of Foreign Ministers (Session of Prosperity and Development), Held in Kampala, Uganda, 18-20 June 2008.

مذهب قائل شده است.^۱ نهایتاً اعلامیه در مواد پایانی کلیه حقوق اعلام شده را به تطابق آن‌ها با شریعت اسلامی منوط دانسته است.

در مجال این مقاله نیست که به جزئیات این انتقادات بپردازد اما آنچه از ابعاد مثبت این مصوبه می‌توان گفت آن است که اعلامیه یک سند لازم‌الاجرای بین‌المللی نیست که کشورهای مسلمان خود را ملزم به رعایت آن بدانند بلکه به‌عنوان مکملی بر سایر تعهدات قراردادی کشورهای مسلمان می‌باشد.

دیگر آن که در هر حال اجماع در یک نشست بین‌المللی به‌ویژه در میان رهبران فرق و جوامع اسلامی که در بسیاری از موضوعات فقهی با یکدیگر در اختلاف می‌باشند بسیار مشکل است و معمولاً در این‌گونه اجلاس‌ها توافقات بر حداقل‌ها صورت می‌پذیرد. با این وجود، اعلامیه شاید در بیش از نود درصد از مفاد خود با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر مطابقت دارد. بر این اساس آنچه در یک مقایسه تاریخی برای هر مسلمانی باعث افتخار و مباهات است آن است که مفاد اعلامیه که بازتاب سنت‌های ۱۴ قرن قبل مسلمانان است در حدود نود درصد از مواد خود با استانداردهای قرن ۲۱ حقوق بشری دنیا مطابقت می‌نماید؛ حقوقی که نه‌تنها مورد قبول همه مذاهب و فرق اسلامی می‌باشد بلکه مسلمانان طی ۱۴ قرن شرعاً مکلف به رعایت آن‌ها بوده‌اند.

موضوع دیگر واجد اهمیت در مورد اعلامیه تأکید آن بر تکالیف و مسئولیت مسلمانان در رعایت حقوق بشر می‌باشد.^۲ در مقدمه این اعلامیه آمده است:

«و با ایمان به این که حقوق اساسی و آزادی‌های عمومی در اسلام جزیی از دین مسلمانان است، پس هیچ احدی به‌طور اصولی حق متوقف کردن کلی یا جزیی یا زیر پا نهادن یا چشم‌پوشی کردن از احکام الهی تکلیفی که خداوند از راه کتاب‌های خود نازل نموده و خاتم پیامبرانش را فرستاده و به وسیله او پایان و اختتامی برای رسالت آسمانی به عمل آورده است، ندارد. بنابراین، مراعات آن‌ها عبادت است و کوتاهی از آن‌ها

۱. به‌طور مثال نگاه کنید به:

Anne Elizabeth Mayer, *Islam and Human Rights, Tradition and Politics*.

۲. جهت دسترسی به متن فارسی اعلامیه به نشانی اینترنتی ذیل مراجعه کنید:

http://www.lawstudy.ir/index.php?option=com_content&view=article&id=261:1389-05-16-16-20-03&catid=13:1388-07-26-08-26-21&Itemid=6

جهت دسترسی به متن انگلیسی آن به نشانی اینترنتی ذیل مراجعه کنید:

<http://www1.umn.edu/humanrts/instree/cairodeclaration.html>

جهت مطالعه بیشتر در مورد اعلامیه مراجعه کنید به: مصطفی بروجردی، «مقایسه اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه قاهره» به نشانی اینترنتی ذیل:

<http://www.taghribnews.com/vdcjvmet.uqetazsffu.html>

یا تجاوز بر آن‌ها منکر است و هر انسانی به‌طور منفرد، مسئول پاسداری و اجرای آن است و امت به‌گونه‌ای هماهنگ در تضمین (مشترک) در قبال آن‌ها، مسئولیت دارد». ارتباط اخلاق و حقوق بشر و جایگاه تکالیف و مسئولیت‌ها در اعتلای حقوق بشر از موضوعاتی است که اخیراً در ادبیات حقوق بشری مورد توجه ویژه قرار گرفته است.^۱ اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام از جهت توجه خاصی که به موضوع تکالیف انسانی نموده است واجد اهمیت می‌باشد. متأسفانه به این مهم در دیگر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشری کمتر توجه شده است و تنها منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها است که علاوه بر موضوع حقوق، موضوع وظایف را نیز مورد تأکید قرار داده است. اعلامیه نه به‌عنوان سخن پایانی مسلمانان بلکه به‌عنوان سنگ بنایی برای توسعه مفاهیم حقوق بشری و بومی‌سازی آن‌ها در میان مسلمانان واجد اهمیت بسیاری است. دبیرکل کنفرانس اسلامی احسان اوغلو اظهار می‌دارد:

«حقوق بشر و کرامت انسانی بخش جدایی‌ناپذیر اسلام و جزو اصلی فرهنگ و میراث اسلامی می‌باشد. علاقه بین‌المللی به مسئله حقوق بشر طی دو دهه اخیر به‌طور تصاعدی ایجاد شده است و پیچیدگی موضوعات حقوق بشری به‌طور اجتناب‌ناپذیری نیاز به بازبانی اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر (در اسلام) را برای هماهنگی با گفتمان جاری جهانی حقوق بشر ایجاب می‌نماید. این چنین جهت‌گیری می‌تواند افق و مسیر جدیدی برای حقوق بشر در جوامع مسلمان فراهم کند».^۲

اتحادیه عرب و منشور جدید عربی حقوق بشر

در تاریخ اتحادیه عرب سه مقطع تاریخی را در توجه آن اتحادیه به مقوله حقوق بشر شاهد هستیم. اول، همزمان با بیستمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در سپتامبر ۱۹۶۸، شورای اتحادیه عرب کمیسیون دائمی حقوق بشر اتحادیه را تأسیس

۱. برای مثال نگاه کنید به سخنرانی خانم مری رابینسون کمیسیونر قبلی حقوق بشر ملل متحد:

Mary Robinson, *Human Rights and Globalization*.

این سخنرانی در نشانی اینترنتی ذیل در دسترس می‌باشد:

http://www.weltethos.org/1-pdf/20-aktivitaeten/eng/we-reden-eng/speech_Robinson_eng.pdf

2.OIC Discusses set-up of an Independent and Permanent Human Rights Commission, 12 April 2009, Available at the Website of Parliamentary Union of OIC Member States (PUIC):

این سند در نشانی اینترنتی ذیل موجود می‌باشد:

http://www.puic.org/english/index.php?option=com_content&task=view&id=320&Itemid=145

نمود. دبیرخانه اتحادیه عرب همچنین اولین کنفرانس حقوق بشر عرب را در بیروت در ۱۰-۲ دسامبر ۱۹۶۸ برگزار کرد. در این کنفرانس از کشورهای عربی در جهت همکاری در زمینه حمایت از حقوق بشر در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و اجرای اعلامیه جهانی حقوق بشر دعوت به عمل آمد. کنفرانس مذکور همچنین پیشنهاد تأسیس کمیته‌های ملی حقوق بشر را به منظور همکاری با کمیسیون دائمی حقوق بشر اتحادیه ارائه نمود. علی‌رغم این، کمیسیون مذکور برای بیشتر دوران حیاتش کاملاً غیرفعال باقی ماند.^۱

دوم، همان‌گونه که قبلاً ذکر شد منشور عربی حقوق بشر به‌وسیله شورای اتحادیه عرب در ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۴ به تصویب رسید. علی‌رغم این، هیچ دولت عربی به منشور عربی حقوق بشر ملحق نشد و منشور برای بیشتر از یک دهه مسکوت ماند. سوم، همان‌طور که در ادامه توضیح داده خواهد شد منشور جدید عربی حقوق بشر در مه ۲۰۰۴ تصویب و در مارس ۲۰۰۸ لازم‌الاجرا گردید.

در اوایل سال ۲۰۰۲ شورای اتحادیه عرب قطعنامه‌ای را با عنوان «تشویق به بازبینی منشور عربی حقوق بشر به منظور هماهنگی آن با موازین بین‌المللی حقوق بشر» تصویب نمود (Rishmawi, 362). بازنگری منشور عربی حقوق بشر بخشی از بسته نوآوری پیشنهادی به‌وسیله دبیرکل و شورای اتحادیه عرب و شورا به منظور اصلاح نهادهای موجود اتحادیه بود. از جمله پیشنهادهای که در این بسته ارائه شده بود ایجاد یک پارلمان عربی بود که در ارتباط با موضوعات حقوق بشری و بازنگری قوانین کشورهای عضو صلاحیت داشته باشد. از دیگر پیشنهادهای بسته ایجاد یک شورای امنیت منطقه‌ای بود. همچنین بسته ایجاد یک دیوان دادگستری عربی را پیشنهاد نموده بود که در حوزه مسائل حقوق بشر و اختلافات مرتبط با اصول حقوق بین‌الملل صلاحیت داشته باشد. در آوریل سال ۲۰۰۲، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر به‌طور رسمی پیشنهاد تشکیل گروه کاری متخصصان مستقل عرب را که در زمینه معاهدات حقوق بشری سازمان ملل کار می‌کنند به دبیرکل اتحادیه عرب ارائه نمود. وظیفه این گروه کاری بازبینی منشور عربی حقوق بشر برای مطابقت دادن بیشتر آن با موازین بین‌المللی حقوق بشر بود. پس از این مرحله و گذشت تقریباً دو سال منشور جدید عربی حقوق بشر در شانزدهمین نشست سران اتحادیه عرب که به میزبانی تونس در مه ۲۰۰۴ برگزار شد و تقریباً بیست سال پس از تصویب منشور قدیم به تصویب رسید (Mervat Rishmawi).

۱. درخصوص کمیسیون و موضوعات مرتبط با آن نگاه کنید به:

Abdullahi A. An-Na'im, Human Rights in the Arab World: A Regional Perspective.

منشور جدید در مارس ۲۰۰۸، یعنی شصت روز پس از تصویب هفتمین دولت عضو اتحادیه، شامل دو کشور آفریقایی: الجزایر و لیبی و پنج کشور آسیایی: بحرین، امارات عربی متحده، اردن، فلسطین و سوریه لازم‌الاجرا گردید. علی‌رغم این که قاعدتاً باید تصویب منشور جدید برای کشورهای عرب آفریقایی به علت داشتن تجربه عضویت در نظام آفریقایی حقوق بشر آسان‌تر بوده باشد، پنج دولت آسیایی در تصویب آن از کشورهای آفریقایی پیشی گرفتند.

منشور جدید شامل فهرست طولانی حقوق اعم از حقوق فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مدنی می‌باشد و باتوجه به واقعیت‌های حقوق بشری در بسیاری از کشورهای منطقه، برخی از اصول بسیار مهم در آن گنجانیده شده است از جمله: عدم تبعیض در زمینه مذهب (ماده ۱ و ۳۴)، عدم تبعیض در زمینه جنسیت و مذهب (مواد ۳، ۴ و ۳۴)، برابری و عدم تبعیض میان زن و مرد (ماده ۳ و بند ۴ ماده ۳۴)، حق مشارکت سیاسی (ماده ۲۴)، ممنوعیت برده‌داری و بردگی در هر شرایطی (ماده ۱۰)، آزادی مذهب (ماده ۳۰)، حمایت از اقلیت‌ها (ماده ۲۵)، ممنوعیت هرگونه شکنجه یا خشونت علیه زنان و کودکان (ماده ۳۳)، حقوق بشر در برنامه‌های آموزشی (بند ۴ ماده ۴۱)، حق جبران برای قربانیان شکنجه (بند ۲ ماده ۸)، حق جبران برای قربانیان دستگیری خودسرانه یا کوچ اجباری (بند ۷ ماده ۱۴) و محافظت از حریم خصوصی، خانواده، خانه و مکاتبات (ماده ۲۱).

در منشور قدیمی مصوب سال ۱۹۹۴ تنها یک ارجاع به اصول اسلامی در مقدمه وجود داشت: «تعقیب اصول جاویدان برادری و عدالت میان تمام بشریت که توسط شریعت اسلامی و دیگر ادیان الهی، به‌طور جدی مورد عنایت بوده است». ارجاعی شبیه به این در منشور جدید عربی حقوق بشر مصوب سال ۲۰۰۴ وجود دارد: «پیشبرد اصول جاویدان برادری، برابری و تساهل میان نوع بشر که توسط دین بزرگ اسلام و دیگر ادیان الهی، مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند».

همچنین مقدمه هر دو منشور قدیم و جدید علاوه بر اسناد و موازین بین‌المللی حقوق بشری، اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام را نیز مورد تصدیق قرار می‌دهند. منشور جدید اشعار می‌دارد: «با تصریح مجدد بر اصول منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مدنظر قرار دادن اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام». در منشور جدید همچنین در ماده ۳ ارجاعی به شریعت دارد که برخلاف ارجاعات رایج به شریعت که عمدتاً در مشروط نمودن تعهد دولت‌های مسلمان

به مفاد معاهدات بین‌المللی حقوق بشری به کار می‌رود،^۱ در آن نقش مثبت شریعت در اعمال تبعیض مثبت در حمایت از زنان مورد توجه قرار گرفته است:

«مرد و زن از نظر کرامت انسانی، حقوق و تعهدات، در چارچوب تبعیضات مثبتی که به نفع زنان توسط شریعت اسلامی، دیگر قوانین الهی، قوانین جاری و اسناد حقوقی اتخاذ شده است، برابرند. براین اساس، هر دولت عضو متعهد است تا تمامی ابزارهای مورد نیاز برای تضمین فرصت‌های برابر و برابری مؤثر بین مرد و زن را به منظور تحقق همه حقوقی که در این منشور ذکر شده است، به کار گیرد».

منشور در هیچ جای دیگر نیز از شریعت به‌عنوان مبنایی برای مشروط نمودن و یا محدود نمودن حقوق بهره نبرده، اما در برخی مفاد خود قوانین داخلی کشورهای عضو را لحاظ نموده است. به‌عنوان مثال براساس بند ۱ ماده ۷: «مجازات مرگ نباید برای افراد کمتر از ۱۸ سال وضع شود مگر این که در قوانین در حال اجرا در زمان ارتکاب جرم، بر رویه دیگری تصریح شده باشد». جدای از این که ارجاع موضوع به قوانین داخلی کشورها می‌تواند یک نقیصه عمده برای کنوانسیون محسوب گردد، مندرجات این ماده از جهت دیگری نیز مخالف بند الف ماده ۳۷ پیمان‌نامه حقوق کودک می‌باشد. در این پیمان‌نامه که همه کشورهای مسلمان در آن عضویت دارند «سن ارتکاب جرم» و نه «سن اعمال مجازات» مورد توجه واقع شده است. بند الف ماده ۳۷ اشعار می‌دارد: «حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از هیجده سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست». جالب این است که هیچ دولت مسلمان حق شرط خاصی برای ماده ۳۷ پیمان‌نامه حقوق کودک، نداشته است. لازم به یادآوری است ماده ۱۲ منشور قدیمی با استانداردهای بین‌المللی در مورد ممنوع کردن مجازات اعدام افراد زیر سن ۱۸ سال بسیار سازگارتر بود؛ براساس ماده مذکور: «مجازات اعدام نباید در مورد فرد زیر ۱۸ سال، زن حامله قبل از وضع حمل یا مادر شیرده، دو سال بعد از وضع حمل، قابل اعمال شود».

نمونه دیگری که منشور جدید قوانین داخلی را لحاظ نموده است بند ۱ ماده ۱۸ منشور می‌باشد که براساس آن: «هیچ کس نباید مورد شکنجه جسمی و روانی یا رفتار وحشیانه، تحقیرآمیز، توهین‌آمیز و غیرانسانی قرار گیرد». این ماده در مقایسه با

۱. به طور مثال در مورد حق شرط‌های کشورهای مسلمان به پیمان‌نامه حقوق کودک نگاه کنید به مقاله ذیل:

Kamran Hashemi, 'Religious Legal Traditions, Muslim States and the Convention on the Rights of the Child: An Essay on the Relevant UN Documentation' 29 *Human Rights Quarterly* 1 (2007), Reprinted in Baderin, Mashood A (ed.) *International Law and Islamic Law* (Ashgate, April 2008).

ماده ۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حوزه شکنجه را به شکنجه‌های روانی تعمیم داده است و از این جهت گامی به جلو محسوب می‌شود اما برخلاف ماده ۷ فوق و مفاد پیمان‌نامه ضدشکنجه، عبارت «مجازات‌ها» را از حوزه پوشش خود خارج نموده است. ماده ۷ میثاق اشعار می‌دارد: «هیچ‌کس نباید در معرض شکنجه یا رفتار و مجازات وحشیانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز قرار گیرد...».

بند ۱ ماده ۳۳ منشور نیز با لحاظ قرار دادن قوانین داخلی کشورهای عضو تعریف خانواده و قوانین مرتبط با آن را به صورت بسیار کلی ارائه نموده است و حقوق و مسئولیت‌های مرد و زن برای ازدواج، در طول ازدواج و طلاق را تابع قوانین ملی دانسته است:

«خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است؛ مبنای آن بر ازدواج بین مرد و زن قرار دارد. مرد و زنی که به سن ازدواج رسیده‌اند براساس قواعد و شرایط ازدواج از حق ازدواج و تشکیل خانواده برخوردار می‌باشند. هیچ ازدواجی جز با رضایت کامل و آزاد هر دو طرف تحقق نمی‌پذیرد. قوانین در حال اجرا حقوق و وظایف مرد و زن برای ازدواج، در طول ازدواج و طلاق را مشخص می‌نمایند».

باوجود موارد فوق، منشور در ماده ۴۲ خود سعی می‌کند تا راه‌های استناد به قوانین ملی برای توجیه موارد نقض حقوق بشر را مسدود نماید:

«هیچ چیز در این منشور نباید به‌گونه‌ای تشریح یا تفسیر گردد که به حقوق و آزادی‌های حمایت‌شده توسط حقوق داخلی دولت‌های عضو یا موازین در حال اجرای بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر، که دولت‌های عضو آن را امضا یا تصویب نموده‌اند، شامل حقوق زنان، حقوق کودکان و حقوق افراد متعلق به اقلیت‌ها، خدشه‌ای وارد آورد».

ماده ۴۵ منشور جدید همچنین تشکیل «کمیته عربی حقوق بشر» را که شامل هفت عضو می‌باشد پیش‌بینی نموده است. در منشور قدیمی این نهاد «کمیته متخصصان حقوق بشر» نامیده می‌شد و ظاهراً جایگزین «کمیسیون دائمی عربی حقوق بشر» که در ابتدا ذکر شد، گردیده بود. تنها وظیفه کمیته در منشورهای جدید و قدیم، بررسی گزارش‌های دوره‌ای دولت‌های عضو می‌باشد. براساس ماده ۴۸ منشور جدید هر دولت عضو باید گزارش اولیه را پس از اولین سالی که منشور لازم‌الاجرا می‌گردد و متعاقباً گزارشات دوره‌ای را هر سه سال یک‌بار به کمیته ارائه کند. گزارش‌های کمیته، نقطه‌نظرات نهایی و توصیه‌نامه‌ها، باید اسنادی آشکار باشند و کمیته باید آن‌ها را به شکل گسترده‌ای منتشر نماید».

رویکرد جدید حقوق بشری سازمان کنفرانس اسلامی

تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی واکنشی در مقابل اشغال فلسطین و اقدامات ضدحقوق بشری رژیم صهیونیستی علیه فلسطینیان بوده است. در همین راستا رویکرد حقوق بشری این سازمان نیز نگاه به بیرون و متمرکز بر وضعیت حقوق بشری مسلمانان در خارج از قلمرو کشورهای عضو بوده است. این رویکرد بیرون‌نگر در دهه اخیر معطوف به حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیراسلامی و یا مقابله با بی‌حرمتی به مقدسات مذهبی یا اسلام‌ستیزی بوده است. در واقع علی‌رغم تصویب اعلامیه قاهره در مورد اسلام در حقوق بشر، رویکرد بیرون‌نگر و موضوع ترویج و حمایت از حقوق بشر در داخل کشورهای عضو هیچ‌گاه در دستور کار سازمان نبوده است. بر این اساس، ویلجوین به درستی اشاره می‌کند: «همچون اتحادیه عرب، عضویت در سازمان کنفرانس اسلامی به هیچ‌وجه کمک قابل‌ملاحظه‌ای به توسعه حقوق بشر در کشورهای عضو به همراه نداشته است» (Viljoen, 15).

البته برخلاف اتحادیه عرب که اقدام صوری و ناموفق تأسیس کمیسیون دائمی حقوق بشر آن به سال ۱۹۶۸ برمی‌گردد، رویکرد حقوق بشری بیرون‌نگر سازمان کنفرانس اسلامی با تأخیر بسیار و از سال ۲۰۰۵ شروع شده است. در این سال سازمان مذکور دو ابتکار را در جهت توسعه حقوق بشر در دولت‌های عضو صورت داد: نخست «تدوین پیمان‌نامه حقوق کودک در اسلام»^۱ بود که در ژوئن ۲۰۰۵ در سی‌ودومین کنفرانس اسلامی وزرای خارجه در صنعا تصویب شد. دوم: «برنامه ده ساله سازمان کنفرانس اسلامی برای رویارویی با چالش‌های امت اسلامی در قرن ۲۱» بود که در دسامبر همان سال به تصویب رسید. این برنامه برای نخستین بار در تاریخ سازمان کنفرانس اسلامی موضوع «حقوق بشر و حکمرانی مطلوب» را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی فعالیت‌های آن سازمان قرار داد. البته این دو ابتکار همان‌گونه که توضیح داده خواهد شد هر یک سرنوشتی متفاوت یافتند؛ پیمان‌نامه حقوق کودک در اسلام با شکست مواجه شد چرا که از حداقل معیارهای لازم یک معاهده الزام‌آور حقوقی برخوردار نبود، ولی ابتکار دوم در مراحل بعدی فعالیت‌های سازمان پیشرفت قابل‌توجهی داشته است.

پیمان‌نامه حقوق کودک در اسلام

پیمان‌نامه حقوق کودک در اسلام شامل ۲۶ ماده با فهرستی ناکافی از حقوق کودک می‌باشد و همین فهرست مختصر نیز مرتباً با استناد به شرع و قوانین داخلی

1. Covenant on the Rights of the Child in Islam, OIC/9-GGE/HRI/2004/Rep.Final

مشروط شده است. در مقدمه پیمان‌نامه اشاره‌ای به اصول و موازین بین‌المللی حقوق بشر نشده است و به جای آن بر اصول مصرح در اسناد سازمان کنفرانس اسلامی مثل اعلامیه داکا در مورد حقوق بشر در اسلام، اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام و اعلامیه حقوق و مراقبت از کودکان در اسلام^۱ تأکید شده است.

استنادات مکرر پیمان‌نامه به شرع و قوانین داخلی در واقع حاکی از عدم توافق دولت‌های عضو بر مفاد آن می‌باشد.

در این ارتباط ماده ۱ در تعریف کودک، ماده ۵ در مورد برابری، ماده ۹ در مورد آزادی شخصی، ماده ۱۲ در مورد آموزش و فرهنگ، ماده ۱۳ در مورد اوقات کار و استراحت، ماده ۲۰ در مورد مسئولیت والدین در محافظت از کودکان در مقابل فعالیت‌های زیان‌آور، به مطابقت با قوانین شرع مشروط شده‌اند. در ضمن بند ۱ ماده ۱۴ در مورد حق امنیت اجتماعی و ماده ۲۱ در مورد کودکان پناهنده به مطابقت با قوانین داخلی مشروط شده‌اند.

با وجود نقطه‌ضعف‌های فوق برخی مواد پیمان‌نامه در مورد وضعیت کودکان در کشورهای در حال توسعه از طبیعت پیشروانه‌ای برخوردارند. برای مثال بند ۲ ماده ۱۸ در مورد حمایت از کودکان کار و تحریم دولت‌هایی که قوانین داخلی خود را در این زمینه تغییر ندهند اشعار می‌دارد:

«قوانین داخلی هر دولتی باید حداقل سن کار و همچنین شرایط و ساعت کار را تعیین کند؛ تحریم‌ها علیه دولت‌هایی که این مقررات را نقض کنند، اعمال می‌شود». البته مشخص نیست این تحریم‌ها طبق چه سازوکاری باید اعمال گردد. همچنین بند ۳ ماده ۴ دولت‌ها را به پایان دادن به رسوم، سنت‌ها یا اعمالی که با حقوق و وظایف تصریح شده این پیمان‌نامه در تضاد می‌باشد، ملزم می‌سازد.

علاوه بر آن، پیمان‌نامه برای اولین بار و البته به شکلی گذرا در ماده ۲۵ به تأسیس یک نهاد نظارتی حقوق بشری در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی با عنوان «کمیته اسلامی حقوق کودک» اشاره می‌کند.

طبق این ماده، کمیته مرکب از نمایندگان دولت‌های عضو پیمان‌نامه می‌باشد که جلسات آن هر دو سال از تاریخ لازم‌الاجرا شدن پیمان‌نامه برگزار می‌شود تا به روند اجرای آن نظارت داشته باشد. پیمان‌نامه حقوق کودک در اسلام برای الحاق کشورها باز است و زمانی که بیست دولت به آن ملحق شوند لازم‌الاجرا می‌گردد، هر چند تا این زمان حتی یک دولت هم به آن ملحق نشده است.

1. The Declaration on the Rights and Care of the Child in Islam, adopted by the Seventh Islamic Summit Conference under Resolution No. 16/7-C (1994).

این پیمان نامه در واقع، به جای این که برای پیمان نامه (بین المللی) حقوق کودک که همه کشورهای مسلمان به آن ملحق شده اند به عنوان مکملی مطرح باشد، بسیاری از حقوق کودکان ملحوظ در پیمان نامه مذکور را محدود کرده است و نقایص متعدد آن سبب گشته تا به یک ابزار غیرکاربردی مبدل گردد. کاستی های پیمان نامه حقوق کودک در اسلام و متعاقباً عدم الحاق دولت های عضو به آن نشان می دهد که دسترسی به اجماع در موضوعات حساس حقوق بشری در میان اعضای سازمان کنفرانس اسلامی کار ساده ای نیست، هر چند در هر حال مصالحه بین اعضا را در تدوین و تصویب اولین معاهده حقوق بشری سازمان باید مغتنم شمرد.

اعلامیه رباط درباره مسائل کودکان در دنیای اسلام^۱

به جز پیمان نامه حقوق کودک در اسلام یک سند دیگر سازمان کنفرانس اسلامی در مورد حقوق کودک شایان توجه می باشد. «اعلامیه رباط درباره مسائل کودکان در دنیای اسلام» در نوامبر ۲۰۰۵ تنها چند ماه بعد از تصویب پیمان نامه حقوق کودک در اسلام به تصویب رسید و در مقایسه با پیمان نامه مذکور سند دقیق تری درباره کودکان می باشد.

این اعلامیه ضمن بیان احساس خطر مشترک از وضعیت وخیم کودکان در بسیاری از کشورهای مسلمان، از نیاز به یک واکنش گروهی سریع و متناسب با این چالش ها سخن به میان می آورد.

از سوی دیگر، هنگامی که اعلامیه از سنت های مشکل ساز سخن به میان می آورد، هرگونه ارتباط این سنت ها با اسلام را مردود دانسته، اشعار می دارد: «غلبه بر چالش های مشکل ساز، شامل بسیاری از سنت های دردناک مانند ازدواج کودکان، ختنه کردن زنان و جداسازی و تبعیض جنسی در امور آموزشی، اغلب سهواً به اسلام مرتبط می شود».

۱. این اعلامیه حاصل اولین نشست کنفرانس اسلامی وزرای امور کودکان است که از ۷ تا ۹ نوامبر ۲۰۰۵ با همکاری سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی اسلامی (آیسیسکو)، یونسف و سازمان کنفرانس اسلامی برگزار شد.
"The Rabat Declaration on Issues of Children in the Muslim World"

سند چشم‌انداز سازمان کنفرانس اسلامی^۱

سند چشم‌انداز سازمان کنفرانس اسلامی بیانگر راهبرد جدید آن سازمان می‌باشد و در واقع حاصل نشست مشورتی هیأت عالی‌رتبه‌ای بود که به ریاست دبیرکل سازمان برگزار گردید و نهایتاً همراه با اعلامیه مکه در پایان سومین اجلاس فوق‌العاده سران در مکه مکرمه در دسامبر ۲۰۰۵ به تصویب رسید.^۲ در اعلامیه به نیاز برای «جستجوی رویکردی در جهت توانمندساختن دنیای اسلام برای دفع چالش‌های پیش‌رو در قرن بیست‌ویکم» تصریح شده است. برای اولین بار در تاریخ سازمان کنفرانس اسلامی، سند چشم‌انداز موضوعاتی چون: «حقوق بشر و حکمرانی مطلوب» را به‌عنوان یکی از محورهای اساسی فعالیت‌های سازمان مورد توجه قرار داده است.

اقدامات اصولی سازمان در سند مذکور به دوازده عنوان اصلی چون «حکمرانی مطلوب و ارتقای حقوق بشر»، «توانمندسازی زنان و کودکان»، «اصلاح آموزش» و «کاهش فقر در کشورهای کمتر توسعه‌یافته» فهرست شده‌اند. سند چشم‌انداز ذیل عنوان «حکمرانی مطلوب و ارتقای حقوق بشر»، به چالش‌های ویژه‌ای که دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی با آن مواجهند می‌پردازد و در آن بر مسائلی چون: «گسترده‌کردن فضای مشارکت سیاسی، تضمین دسترسی به آزادی‌های مدنی و عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی، ارتقای شفاف‌سازی و مسئولیت‌پذیری و کاهش فساد» تأکید می‌نماید.

سند مذکور همچنین برای اولین بار موضوع ایجاد نظام منطقه‌ای حقوق بشر در درون سازمان را مطرح ساخته و کنفرانس اسلامی وزرای خارجه را مأمور نموده است تا در جهت تدوین دقیق یک «منشور حقوق بشر سازمان کنفرانس اسلامی» و تشکیل یک «کمیسیون دائمی حقوق بشری سازمان کنفرانس اسلامی» اقدام نماید. مطابق سند چشم‌انداز و در جهت تضمین احترام به حقوق بشر، کنفرانس اسلامی وزرای خارجه در همکاری با دولت‌های عضو نسبت به تغییرات در قوانین و مقررات داخلی اعضا، گام بر خواهد داشت. ضمناً دولت‌های عضو، برنامه‌های آموزشی خود را با هدف گنجاندن موضوعات حقوق بشری با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگی مورد بازبینی قرار خواهند داد.

۱. این سند در سامانه نمایندگی دائم سازمان کنفرانس اسلامی در نیویورک نزد ملل متحد موجود می‌باشد:

The New Vision of the OIC

http://www.puic.org/english/index.php?option=com_content&task=view&id=320&Itemid=145

۲. این سند در سامانه سازمان کنفرانس اسلامی در دسترس می‌باشد:

Makkah-Al-Mukarramah (The Holy Mecca) Declaration, <http://www.oic.oci.org/ex-summit/English/makka-dec-en.htm>.

سند چشم‌انداز علاوه بر تأکید بر ضرورت تدوین «منشور حقوق بشر سازمان کنفرانس اسلامی» بر ضرورت تدوین پیش‌نویس دو معاهده دیگر، یکی برای اعضای سازمان و دیگری بین‌المللی، نیز اشاره دارد که به ترتیب عبارتند از: «پیمان‌نامه ضد تبعیض نژادی سازمان کنفرانس اسلامی» و «پیمان‌نامه بین‌المللی احترام به مذاهب».

برنامه ده ساله سازمان کنفرانس اسلامی^۱

براساس سند چشم‌انداز، برنامه کار ده ساله سازمان کنفرانس اسلامی در سومین اجلاس فوق‌العاده سران کشورها به تصویب رسید. همگام با سند چشم‌انداز، برنامه ده ساله توجهی ویژه به مسأله حکمرانی مطلوب، دموکراسی، ارتقا و حمایت از حقوق بشر دارد. در قسمت هفتم برنامه، ذیل عنوان: «مسائل روشنفکری و سیاسی»، یکی از ده موضوع مورد تأکید «حکمرانی مطلوب و حقوق بشر» ذکر شده است. همچنین ذیل عنوان: «توسعه مسائل اقتصادی - اجتماعی و علمی» یکی از شش موضوع اصلی «حقوق زنان، جوانان، کودکان و خانواده در جهان اسلام» می‌باشد. جالب توجه است که تنها چند ماه پس از تصویب پیمان‌نامه حقوق کودک در اسلام، برنامه ده ساله با تکیه بر ارزش‌های اسلامی، اما با ادبیاتی متفاوت با پیمان‌نامه و مشابه اعلامیه رباط، با استناد به مفاهیمی چون برابری و عدالت اسلامی اشاراتی آشتی‌جویانه پیرامون مسائل مورد مناقشه چون مسائل کودکان و زنان در زمینه‌های آموزش، تبعیض و خشونت دارد. برنامه ده ساله همچنین در برداشتی متفاوت مفاد پیمان‌نامه رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان را در مسیر ارزش‌های اسلامی معرفی می‌کند:

«قوانین مستحکم در جهت ارتقای پیشرفت زنان در جوامع مسلمان در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مطابق با ارزش‌های اسلامی چون عدالت و برابری (باید به تصویب برسند). این قوانین همچنین در راستای حمایت از زنان در مقابل کلیه اشکال خشونت و تبعیض و مطابق با مفاد پیمان‌نامه منع کامل هرگونه تبعیض علیه زنان در مسیر ارزش‌های اسلامی عدالت و برابری قرار دارند».

۱. مصوب سومین نشست فوق‌العاده اجلاس سران اسلامی در مکه در پنجم تا هفتم دسامبر ۲۰۰۵، متن برنامه در سامانه سازمان در دسترس می‌باشد:

The OIC "Ten- Years Program of Action to Meet the Challenges Facing the Muslim Ummah in the 21st Century":

این سند در نشانی اینترنتی ذیل در دسترس می‌باشد:

<http://www.oic.oci.org/ex-summit/english/10-yeais-plan.htm>

برنامه ده ساله سازمان کنفرانس اسلامی را به سوی یاری جستن از اسلام، به‌عنوان مذهبی که می‌تواند تضمین‌کننده کامل حمایت از حقوق زنان و مشوق آن‌ها به مشارکت در تمامی زمینه‌های زندگی عمومی و خصوصی باشد، فرا می‌خواند. همچنین از دولت‌های عضو می‌خواهد که براساس ارزش‌های اسلامی در همه سطوح، تمامی تلاش‌های ممکن را در رویارویی با چالش‌های اجتماعی معاصر که خانواده‌های مسلمان با آن مواجه هستند و در همبستگی آنان تأثیر می‌گذارد، اعمال بدارند.

هم‌جهت با سند چشم‌انداز، برنامه ده ساله نیز ضمن پیشنهاد تدوین «پیمان‌نامه حقوق زنان در اسلام» از دولت‌های عضو برای پیوستن به پیمان‌نامه حقوق کودک در اسلام، پیمان‌نامه (بین‌المللی) حقوق کودک و پیمان‌نامه رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان دعوت به عمل می‌آورد. همچنین در روند تجدید ساختار دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی، ایجاد بخش جداگانه‌ای را جهت عهده‌داری امور مرتبط با خانواده پیشنهاد می‌نماید. برنامه ده ساله در فصل هشتم، ذیل عنوان «حقوق بشر و حکمرانی مطلوب» بر کوشش در جهت توسعه مشارکت سیاسی، تضمین برابری، آزادی‌های مدنی، عدالت اجتماعی، ارتقای شفاف‌سازی و پاسخگویی از طریق ریشه‌کنی فساد در دولت‌های عضو، تأکید می‌ورزد. همچنین برنامه ده ساله همچون سند چشم‌انداز، از کنفرانس اسلامی وزرای خارجه می‌خواهد تا امکان استقرار یک نهاد دائمی مستقل، برای ارتقای و حمایت از حقوق بشر در دولت‌های عضو و تدوین منشور سازمان کنفرانس اسلامی در مورد حقوق بشر را مورد بررسی قرار دهد.

منشور جدید سازمان کنفرانس اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی در خلال یازدهمین اجلاس سران در ۱۴ مارس ۲۰۰۸ در داکا، منشور جدید خود را در جهت اصلاح سازمان تصویب نمود. این منشور به محض تصویب، عملاً جایگزین منشور قدیمی سازمان کنفرانس اسلامی که در سال ۱۹۷۲ تصویب شد گردیده، هر چند سند جدید هنوز به تصویب بسیاری از مجالس قانون‌گذاری کشورهای عضو نرسیده است و رسماً لازم‌الاجرا نمی‌باشد.^۱

در تداوم مسیر سند چشم‌انداز و برنامه ده ساله، منشور جدید توجه ویژه‌ای به حقوق بشر و همچنین حقوق زنان و کودکان مبذول می‌دارد. در مقام مقایسه، در منشور قدیم، همگام با سیاست حقوق بشری برون‌نگر سازمان، اشاراتی به موضوعات ریشه‌کنی تبعیض نژادی، استعمارزدایی و آزادی فلسطین وجود داشت. به جز این‌ها تنها اشاره

۱. تاکنون سنگال، عربستان سعودی، مالزی و بنگلادش سند را تصویب کرده‌اند.

صریح منشور قدیم به حقوق بشر در مقدمه آمده بود که در آن اعضا «تعهدات خود درقبال منشور ملل متحد و حقوق بنیادین بشر که اهداف و اصول مربوطه آنها بنیان‌های همکاری‌های سازنده بین همه مردمان را فراهم می‌کنند» را مورد تأکید قرار داده بودند. حال آن که فصل اول منشور جدید بیست هدف برای سازمان کنفرانس اسلامی منظور کرده است که یکی از آنها در بند ۱۴ «ارتقا و حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شامل حق زنان، کودکان، جوانان، سالخوردگان، انسان‌هایی که به کمک‌های خاصی نیاز دارند و همچنین حفظ ارزش‌های اسلامی خانواده» می‌باشد. در ماده ۵ همین فصل، ۱۱ نهاد اصلی سازمان کنفرانس اسلامی فهرست شده‌اند که یکی از آنها «کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشر»^۱ می‌باشد. ماده ۱۵ مسئولیت این کمیسیون را «ارتقای حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ذکر شده در معاهدات و اعلامیه‌های سازمان و اسناد پذیرفته‌شده جهانی حقوق بشری و در مطابقت با ارزش‌های اسلامی» عنوان می‌کند.

منشور جدید صرف‌نظر از اشاره بالا به «ارزش‌های اسلامی» در ماده ۱۵، در سه بند مختلف دیگر از مقدمه، فهرستی از ارزش‌های اسلامی شامل وحدت و برادری، صلح، عذوفت، رواداری، برابری، عدالت، کرامت انسانی و سایر ارزش‌های مرتبط با میانه‌روی و تنوع‌پذیری را ارائه می‌نماید.

همچنین دو بار در عباراتی مشابه در فصل مربوط به اهداف و اصول منشور، در بند ۱۱ ماده ۱ و ماده ۲، به «ارزش‌ها و تعالیم اسلامی» اشاره شده است.

پیش‌نویس اساسنامه کمیسیون دائمی حقوق بشر سازمان کنفرانس اسلامی

همان‌طور که در بالا ذکر شد، کنفرانس اسلامی وزرای خارجه موظف گردید تا براساس برنامه ده ساله و ماده ۵ منشور جدید نسبت به تأسیس کمیسیون دائمی حقوق بشر و تدوین اساسنامه مربوطه اقدام نماید.

براین اساس سازمان کنفرانس اسلامی تفاهم‌نامه‌ای را در جولای ۲۰۰۶ با کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد امضا کرد که طی آن دو طرف نسبت به

۱. نهادهای ده‌گانه سازمان کنفرانس اسلامی به قرار زیر است: اجلاس سران، شورای وزرای خارجه، کمیته‌های ثابت، کمیته اجرایی، دادگاه عدالت اسلامی، کمیته نمایندگان دائم، دبیرخانه، نهادهای فرعی، سازمان‌های تخصصی و سازمان‌های تابعه. پیش از این سازمان از ۳ بخش اصلی تشکیل شده بود: اجلاس سران، کنفرانس اسلامی وزرای خارجه و دبیرخانه و هم‌راستا با آنها ارگان‌های فرعی، نهادهای تخصصی، سازمان‌های وابسته و کمیته‌های ثابت.

همکاری برای تهیه پیش‌نویس منشور حقوق بشری سازمان کنفرانس اسلامی توافق نمودند.

از اوایل سال ۲۰۰۹، به منظور تدوین پیش‌نویس اساسنامه جلسات مختلفی به ریاست دبیرکل سازمان احسان اوغلو در مقر دبیرخانه در جده برگزار شد که اولین آن نشست غیررسمی هیأت مشورتی بود که در ۱۵ فوریه ۲۰۰۹ برگزار شد و متعاقباً نشست گروه‌های تخصصی رسمی در ۱۲ الی ۱۳ آوریل ۲۰۰۹ برگزار گردید. دبیرکل سازمان، احسان اوغلو خطاب به نشست اخیر کمیسیون دائمی، حقوق بشر را به‌عنوان یک نهاد آرمانی معرفی نمود که از ارتقای ارزش‌های حقوق بشری در درون دولت‌های اسلامی حمایت می‌کند.

«استقرار یک کمیسیون حقوق بشر توسط سازمان کنفرانس اسلامی راه روشنگری و اصلاح سیاسی را در سراسر کشورهای عضو هموار می‌کند و همین امر سبب ایجاد یک همکاری عمیق‌تر در جهت کمک بیشتر به ارتقای ارزش‌هایی چون رواداری، آزادی‌های اساسی، حکمرانی مطلوب، حکومت قانونی، پاسخ‌گویی، شفاف‌سازی، گفتگو با دیگر مذاهب و تمدن‌ها، کاهش بنیادگرایی و تعصبات بی‌مورد و تقویت حس افتخار به هویت اسلامی می‌شود»^۱ به‌دنبال نشست‌های فوق در جده در سی‌وششمین کنفرانس اسلامی وزرای خارجه که ۲۳-۲۵ مه ۲۰۰۹ در دمشق برگزار شد، در مورد کمیسیون جدید و اساسنامه آن بحث و گفتگو به عمل آمد.

پیش‌نویس اساسنامه مطروحه در اجلاس دمشق^۲ شامل ۳۳ ماده بود. پیش‌نویس مذکور متعاقباً در نشست دوم کارشناسان دولتی در ۱۷-۱۵ ماه فوریه ۲۰۱۰ در دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی در جده مورد بررسی مجدد قرار گرفت و به ۲۹ ماده تقلیل یافت.^۳ این پیش‌نویس در سی‌وهفتمین کنفرانس اسلامی وزرای خارجه که در ۲۰ - ۱۸ مه همان سال در دوشنبه برگزار شد مورد تأیید قرار گرفت. البته برخی موضوعات جزئی در پیش‌نویس همچون مقرر کمیسیون همچنان مورد توافق

۱. بحث‌های سازمان کنفرانس اسلامی راجع به استقرار یک کمیسیون دائمی مستقل حقوق بشری، ۱۲ آوریل ۲۰۰۹. این سند در سامانه اتحادیه بین‌المجالس اعضای کنفرانس اسلامی موجود می‌باشد:

OIC discusses set-up of an independent and permanent human rights commission ,
12 April 2009 ,
http://www.puic.org/english/index.php?option=com_content&task=view&id=320&Itemid=145
2.OIC/IPCHR/2009/DR STATUTE, ANNEX TO: OIC/IGGE-IPCHR/2009/REP.FINAL.
3.OIC/CFM-37/2010/LEG/REP.REP.1,ANNEX – 1,OIC/EGGHRC-2/2010/REP.FINAL

اعضا واقع نشده است و انتظار می‌رود متن مذکور در کنفرانس اسلامی بعدی وزرای خارجه نهایی گردد.

آخرین پیش‌نویس اساسنامه به هفت فصل تقسیم شده است و موضوعاتی را از جمله ترکیب کمیسیون و عضویت در آن، اهداف کمیسیون و اختیارات و کارکردهای کمیسیون شامل می‌گردد. فصل ۲ پیش‌نویس اساسنامه شامل مواد ۲ الی ۷ به ترکیب کمیسیون اختصاص دارد. در حالی که کمیسیون عربی حقوق بشر هفت عضو و کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها ۱۱ عضو دارند، کمیسیون دائمی حقوق بشر سازمان کنفرانس اسلامی شامل ۱۸ عضو می‌باشد و کارکرد مشورتی خود را زیر نظر شورای وزیران خارجه انجام خواهد داد. اهداف کنوانسیون در فصل ۳ در مواد ۸ تا ۱۲ درج شده است. اولین هدف کمیسیون، طبق ماده ۹ «تحکیم حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در کشورهای عضو» می‌باشد. در ماده ۱۰ ضمن تأکید بر هدف فوق، هدف ثانویه دیگری را نیز برای کمیسیون در نظر گرفته است که به بیرون از حوزه صلاحیت کشورهای عضو نظر دارد و عبارت است از: «رصد نمودن رعایت حقوق جوامع و اقلیت‌های مسلمان». ماده ۱۲ به بیان نمونه‌هایی از اقدامات کمیسیون در جهت ارتقای حقوق بشر در کشورهای عضو می‌پردازد و بر حمایت کمیسیون از بهبود سیاست‌ها و قوانین در کشورهای عضو در جهت ارتقای حقوق زنان و جوانان و افراد دارای احتیاجات خاص و امحای کلیه اشکال تبعیض و خشونت تأکید می‌نماید.

فصل ۴ در مواد ۱۲ تا ۱۷ به اختیارات کمیسیون و کارکردهای آن اختصاص دارد. کارکردهای کمیسیون که موارد مربوط به ترویج و ارتقای حقوق بشر را شامل می‌شود به قرار ذیل است:

- ارائه دیدگاه‌های مشورتی به شورای وزرای خارجه و اجلاس سران (ماده ۱۲)؛
- تقویت ظرفیت‌ها و همکاری‌های فنی در حوزه حقوق بشر و افزایش آگاهی از این حقوق در میان دولت‌های عضو و مشورت دادن به دولت‌های عضو در مورد مسائل حقوق بشری در صورت درخواست آنان (ماده ۱۴)؛
- ارتقا و حمایت از نقش نهادهای ملی و نهادهای جامعه مدنی در حوزه حقوق بشر در دولت‌های عضو و گسترش همکاری‌ها بین سازمان کنفرانس اسلامی و دیگر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (ماده ۱۵)؛
- مطالعه و پژوهش در خصوص مسائل دارای اولویت حقوق بشری و هماهنگی در جهت مبادله اطلاعات و تجارب بین اعضا (ماده ۱۶)؛
- همکاری با اعضا به تقاضای آن‌ها در جهت تدوین اسناد حقوق بشری، ارائه پیشنهادات در جهت بازنگری و بهبود بیانیه‌ها و پیمان‌نامه‌های حقوق بشری سازمان

کنفرانس اسلامی و نیز پیشنهاد تصویب معاهدات و پیمان‌نامه‌های حقوق بشری در چارچوب سازمان کنفرانس اسلامی، در مطابقت با استانداردهای بین‌المللی و ارزش‌های اسلامی (ماده ۱۷).

مثال‌هایی که راجع به کارکرد ترویج و ارتقای حقوق بشر در مواد فوق فهرست گردیده، با کارکردهای کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها در این زمینه‌ها که در بند ۱ ماده ۴۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (منشور بانجول)^۱ فهرست شده است مشابه می‌باشد. در مقایسه با آن، منشور عربی حقوق بشر چنین کارکردهایی را برای کمیسیون عربی حقوق بشر مورد لحاظ قرار نداده است.

ماده ۲۰ پیش‌نویس قبلی کمیسیون مطروحه در اجلاس دمشق تنها ماده اصولی در حوزه نظارتی کمیسیون بود که اشعار می‌داشت: «کمیسیون باید هر تخلف حقوق بشری ممکن توسط دولت‌های عضو سازمان کنفرانس اسلامی را مطابق مقررات رسیدگی کند و گزارش آن را به شورای وزیران خارجه جهت اتخاذ تصمیم تقدیم کند». در مقام مقایسه مشابه چنین ماده‌ای در زمینه کارکرد نظارتی در کمیسیون آمریکایی حقوق بشر وجود ندارد، اما در منشور آفریقایی حوزه نظارتی بسیار وسیع‌تر می‌باشد. طبق ماده ۴۶ منشور آفریقایی، کمیسیون آفریقایی باید به هر اقدام مقتضی جهت رسیدگی و تحقیق متوسل شود، لذا می‌تواند از دبیرکل یا هر شخص ذی‌صلاح دیگر جهت روشن‌شدن موضوع نظرخواهی کند. همچنین کمیسیون آفریقایی از صلاحیت رسیدگی به شکایت یک دولت علیه دولت دیگر طبق ماده ۴۷ و رسیدگی به شکایات فردی طبق ماده ۴۸ برخوردار می‌باشد. کمیسیون آفریقایی حقوق بشر مشابه با کمیسیون عربی حقوق بشر مسئولیت رسیدگی به گزارش‌های دوره‌ای دولت‌های عضو را دارا می‌باشد. به علاوه کمیسیون آفریقایی وظایف دیگری نیز دارد که در منشور عربی حقوق بشر نیز دیده نمی‌شود، مانند تفسیر تمامی مواد منشور آفریقایی و سایر وظایفی که ممکن است به لحاظ اجتماعی از دولت‌های عضو به آن واگذار شود. البته ماده ۲۰ پیش‌نویس اساسنامه کمیسیون، مطروحه در اجلاس دمشق در بازبینی‌های بعدی حذف گردید. بدیهی است تا زمانی که منشور حقوق بشر سازمان کنفرانس اسلامی همچون منشور عربی یا منشور آفریقایی تدوین نشده و کمیسیون دائمی حقوق بشر سازمان کنفرانس اسلامی هنوز مبنای معاهداتی پیدا نکرده است، اجماع حول ماده ۲۰ و کارکردهای نظارتی کمیسیون مذکور امری دور از دسترس می‌باشد. در هر حال،

۱. این منشور ۲۱ اکتبر ۱۹۸۶ لازم‌الاجرا گردید.

باتوجه به عدم تصویب ماده ۲۰، برخلاف سایر سازوکارهای منطقه‌ای آفریقایی، بین آمریکایی، اروپایی و عربی، در این مقطع هیچ نوع وظیفه نظارتی برای کمیسیون دائمی سازمان کنفرانس اسلامی از جمله ساده‌ترین نمونه آن که بررسی گزارش‌های ادواری اعضا می‌باشد در پیش‌نویس اساسنامه مربوطه پیش‌بینی نشده است.

مرکز جنبش عدم تعهد برای حقوق بشر و تنوع فرهنگی

اهمیت تأسیس و فعال سازی مرکز

اجلاس وزرای جنبش عدم تعهد در خصوص حقوق بشر و تنوع فرهنگی که با حضور یکصد هیأت عالی‌رتبه از اعضای جنبش در ۳-۴ سپتامبر ۲۰۰۷ در تهران برگزار شد، در سند پایانی خود تصویب نمود نهادی تحت عنوان: «مرکز جنبش عدم تعهد برای حقوق بشر و تنوع فرهنگی» در کشورمان تأسیس شود.

هم‌اکنون دبیرخانه تعدادی از سازمان‌های بین‌دولتی منطقه‌ای در جمهوری اسلامی ایران مستقر می‌باشند که از آن جمله می‌توان به دبیرخانه اگو و دبیرخانه بین‌المجالس اسلامی اشاره نمود. در این میان مرکز حقوق بشر و تنوع فرهنگی در صورتی که فعالیت خود را با اساسنامه مستقلی در کشورمان آغاز نماید با ۱۱۸ عضو، هم از نظر وسعت حوزه جغرافیایی و هم از نظر تعداد اعضا در رأس دفاتر و یا سازمان‌های ذکر شده که دبیرخانه آن‌ها در کشورمان است قرار می‌گیرد. همچنین مرکز مذکور تنها سازوکار حقوق بشری جنبش متشکل از ۱۱۸ کشور در حال توسعه می‌باشد و در سطح بین‌المللی نیز در میان نهادهای بین‌دولتی حقوق بشری به‌عنوان فراگیرترین نهاد پس از نهادهای وابسته به نظام ملل متحد محسوب خواهد شد؛ از سوی دیگر، باتوجه به ریاست دوره‌ای جمهوری اسلامی ایران بر جنبش که از تابستان سال ۱۳۹۱ آغاز می‌شود، ایجاد و فعال نمودن این مرکز می‌تواند به‌عنوان بزرگ‌ترین دستاورد ریاست دوره‌ای کشورمان بر جنبش به حساب آید.

کارکردهای مرکز

حوزه فعالیت‌های مرکز در مرحله اول در زمینه ترویج حقوق بشر می‌باشد. باتوجه به نیازی که همواره نسبت به تقویت مبانی فکری کشورهای در حال توسعه در حوزه‌های حقوق بشری احساس می‌شود، مرکز در ظرفیت اتاق فکر جنبش در موضوعات حقوق بشری و به‌عنوان مرجعی برای همکاری درون نهضت عدم تعهد و نیز میان اعضای نهضت و سایر اعضای سازمان ملل متحد در حوزه‌های حقوق بشری فعالیت خواهد نمود.

از سوی دیگر، جمهوری اسلامی ایران همواره پیشتاز مباحث مربوط به اسلام و حقوق بشر بوده است. پیگیری تصویب اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام و برگزاری نشستهای متعدد داخلی و بین‌المللی در این زمینه مؤید اهمیت موضوع برای سیاست‌گذاران و مراکز علمی کشورمان می‌باشد. در این راستا مرکز حقوق بشر و تنوع فرهنگی که از مهم‌ترین کارکردهایش فراهم‌آوردن زمینه مساعد برای تبادل نظر پیرامون چالش‌های حقوق بشری جهان امروز می‌باشد می‌تواند زمینه مشارکت بیش از پیش فرهنگ و ارزش‌های اسلامی را در ارتقای مفاهیم حقوق بشری فراهم سازد. لازم به یادآوری است که حدود نیمی از اعضای جنبش را کشورهای مسلمان تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب، بخش مهمی از فعالیت‌های مرکز حقوق بشر و تنوع فرهنگی می‌تواند به دیدگاه‌های جهان اسلام در مورد حقوق بشر به‌عنوان یکی از فرهنگ‌های عمده در داخل جنبش اختصاص یابد. بر این اساس، در پیش‌نویس منشور مرکز کارکردهای پژوهشی آموزشی از جمله در موارد ذیل تبیین گردیده است:

انجام طرح‌های پژوهشی: برنامه‌های کارآموزی و برگزاری دوره‌های آموزشی حقوق بشری کوتاه‌مدت و بلندمدت با تمرکز بر دیدگاه‌های کشورهای در حال توسعه، از جمله کارگاه‌های آموزشی، مدارس تابستانی و دوره کارشناسی ارشد و دکترای حقوق بشر و تنوع فرهنگی (که مدرک آن توسط چند دانشگاه عضو جنبش ارائه خواهد شد)، به ویژه جهت دیپلمات‌های جوان و دانشجویان؛

اعطای بورس‌های آموزشی و پژوهشی: ایجاد کتابخانه، بانک اطلاعاتی و مرکز اسناد منحصر به فرد حوزه جنبش؛

- ارائه خدمات مشورتی به کشورهای عضو جنبش در موضوعات حقوق بشری؛
- انتشار فصلنامه و دیگر نشریات و کتب مرتبط؛
- ایجاد شبکه اینترنتی ارتباطی بین مراکز آموزشی و پژوهشی حقوق بشری حوزه جنبش؛

- ایجاد شبکه ارتباطی بین نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشری در حوزه جنبش یعنی نظام‌های آمریکایی و آفریقایی و سایر نظام‌های در حال شکل‌گیری عربی، اسلامی و آسیایی، جهت تبادل اطلاعات و تجارب؛

- معرفی نقش تاریخی فرهنگ‌ها در ارتقای مفهوم حقوق بشر از طریق اطلاع‌رسانی و نیز برگزاری نشست‌های منظم علمی؛

- فراهم آوردن برنامه‌های درسی و آموزشی به‌منظور معرفی نقش فرهنگ‌ها و تمدن‌های مختلف در ارتقای مفهوم حقوق بشر؛

- تشویق دانشگاه‌ها به ایجاد کرسی‌های مربوط به مطالعات تطبیقی حقوق بشر با عنوان: «کرسی حقوق بشر و تنوع فرهنگی» و ایجاد اولین کرسی مربوطه در یکی از دانشگاه‌های کشورمان؛

- همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای با اهداف و کارکردهای مشابه همچون یونیتار، یونسکو، کمیساریای عالی حقوق بشر، دانشگاه سازمان ملل، آیسسکو، کمیسیون دائمی حقوق بشر سازمان کنفرانس اسلامی، شعبات دانشگاه بین‌المللی اسلامی (وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی) در مالزی، بنگلادش و پاکستان؛

- همکاری با دیگر مراکز با اهداف و فعالیت‌های مشابه همچون رسانه‌ها، مراکز هنری و جهانگردی؛

- انجام دیگر وظایفی که ممکن است از سوی اجلاس‌های سران و یا وزرای جنبش عدم‌تعهد بر عهده مرکز نهاده شود.

ساختار تشکیلاتی مرکز

کارکردهای مرکز حقوق بشر و تنوع فرهنگی در بُعد ملی و بین‌المللی قابل تعریف هستند، اما مرکز در صورتی امکان فعالیت مؤثر در حوزه بین‌المللی را خواهد داشت که به صورت یک نهاد بین‌دولتی فعالیت نموده و دارای شخصیت حقوقی مستقلی باشد. بر این اساس، پیش‌نویس سند توسط مرکز مذکور که به‌طور موقت در وزارت امور خارجه کشورمان مستقر می‌باشد تدوین گردید. به‌منظور تهیه پیش‌نویس سند تأسیس (منشور) مرکز، اسناد تأسیس و مقر بیش از چهل سازمان منطقه‌ای و بین‌المللی مورد مذاقه قرار گرفته است. پیش‌نویس منشور مرکز در ساختار تشکیلاتی آن بخش‌هایی چون هیأت امناء، شورای آموزشی- پژوهشی، رئیس و هیأت علمی پیش‌بینی شده‌اند.

هیأت امناء در سطح وزرا بوده و سیاست‌گذاری‌های کلی مرکز را برعهده خواهد داشت. هیأت امناء متشکل از نه تن از وزرای خارجه و سایر وزرای ذی‌ربط هر کشور عضو مرکز همچون وزرای آموزش عالی و یا حقوق بشر کشورهای عضو می‌باشد. برای هیأت امناء وظایف دیگری نیز پیش‌بینی شده که از آن جمله انتخاب اعضای شورای آموزشی- پژوهشی می‌باشد.

شورای آموزشی- پژوهشی متشکل از دیپلمات‌های مجرب و متخصص، اساتید، محققین، اندیشمندان و سایر شخصیت‌های علمی می‌باشد که توسط هیأت امناء انتخاب می‌شوند. هر کشور می‌تواند به تعداد متناسبی افراد واجد شرایط را جهت عضویت در

شورا معرفی نماید. اعضای شورا در چارچوب اهداف مرکز و در ظرفیت‌های شخصی خود انجام وظیفه می‌نمایند.

ریاست مرکز بر کلیه فعالیت‌های مرکز نظارت دارد و در عین حال دبیر هیأت امنای و رئیس شورای آموزشی - پژوهشی نیز می‌باشد. کارکنان دائمی مرکز شامل هیأت علمی و کارکنان محلی می‌باشند. هیأت علمی متشکل از اساتید و پژوهشگران خواهد بود که حقوق و مزایای آن‌ها توسط کشورهای اعزام‌کننده تأمین می‌گردد.

نتیجه‌گیری

پس از گذشت بیش از سه دهه از شروع گفتمان «اسلام و حقوق بشر» و پس از گذشت دو دهه از تصویب اعلامیه قاهره در مورد حقوق بشر در اسلام، به نظر می‌رسد که کشورهای مسلمان در سنوات اخیر از یک رویکرد تدافعی در قبال حقوق بشر به نوعی رویکرد ایجابی مبتنی بر هویت فرهنگی و مذهبی خود روی آورده‌اند. در این راستا، همزمان با شکل‌گیری نظام منطقه‌ای عربی حقوق بشری در چارچوب اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی نیز در راهبردی درون‌نگر به وضعیت حقوق بشری کشورهای عضو، به دنبال ایجاد یک نظام بین دولتی جدید حقوق بشری می‌باشد.

البته در این میان نمی‌توان از موانع فراروی دیده پوشاند که مهم‌ترین آن‌ها فقدان اراده واقعی اعضای سازمان کنفرانس اسلامی نسبت به پذیرش چنین نظامی می‌باشد. نبود منافع اقتصادی و سیاسی مشترک در مفهوم کلی آن برای دولت‌های عضو سازمان و نیز وجود برخی مشکلات ساختاری که موجب ناکارآمدی سازمان مذکور شده است از دیگر موانع پیش روی می‌باشد. از سوی دیگر، در حالی که بیش از نیمی از دولت‌های مسلمان در حال حاضر تجربه عضویت در یک یا دو نظام منطقه‌ای حقوق بشری را دارا می‌باشند، هر نوع اقدامی برای استقرار یک نظام جدید حقوق بشری بین این کشورها، در چارچوب اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و یا هر نهاد بین‌دولتی دیگر، باید در مقایسه با نظام‌های منطقه‌ای حقوق بشری موجود گامی به جلو و در جهت افزودن ارزش‌هایی چند بر تجارب آن‌ها باشد.

در این راستا و در مسیر رویکرد جدید ایجابی کشورهای مسلمان در قبال حقوق بشر، «مرکز جنبش عدم‌تعهد برای حقوق بشر و تنوع فرهنگی» می‌تواند با تبیین و پیگیری فعالیت‌های مطالعاتی و آموزشی - پژوهشی مناسب از طریق شناسایی ارزش‌های موجود حقوق بشری در فرهنگ‌های مختلف، علاوه بر غنی‌سازی جهانشمولی حقوق بشر، با بومی‌سازی مفاهیم حقوق بشری در ارتقای وضعیت حقوق بشر در کشورهای عضو نقش مؤثری ایفا نماید. رویه‌ای که باتوجه به عضویت ۵۲ کشور مسلمان

در جنبش و استقرار محل مرکز در کشورمان بر تکامل سازوکارهای منطقه‌ای حقوق بشری بین اسلامی نیز تأثیر به سزایی خواهد داشت.

منابع

۱. بروجردی، مصطفی، سفیر سابق ایران در سازمان کنفرانس اسلامی، «مقایسه اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه قاهره» در نشانی اینترنتی ذیل:
<http://www.taghribnews.com/vdcjvmet.uqetazsffu.html>
۲. زمانی، سیدقاسم، ساعدوکیل امیر، عسکری، پوریا، «نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر»، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۶.
3. An-Na'im, Abdullahi A. Human Rights in the Arab World: A Regional Perspective, 23 Human Rights Quarterly 3 (2001), 701-732
4. Hashemi, Kamran, 'Muslim Stats, Regional Human Rights Systems, and Organization of Islamic Conference', *German Yearbook of International Law*, 52 (2009)
5. Hashemi, Kamran, 'Religious Legal Traditions, Muslim States and the Convention on the Rights of the Child: An Essay on the Relevant UN Documentation', [29 *Human Rights Quarterly* 1(2007), Reprinted in Baderin, Mashood A (ed.) *International Law and Islamic Law* (Ashgate, April 2008)].
6. Khan, Saad. S, Reasserting International Islam: A Focus on the Organization of the Islamic Conference and Other Islamic Institutions, (Oxford University Press, (2001)
7. Mayer, Anne Elizabeth (1999), *Islam and Human Rights, Tradition and Politics*, Third Edition Westview Press.
8. Rishmawi, Mervat, *The Revised Arab Charter on Human Rights : A Step Forward?*, *Human Rights Law Review*, 5:2 (2005),362
9. Robinson , Mary, UN High Commissioner for Human Rights, Ethics, Human Rights and Globalization, Second Global Ethic Lecture ,The Global Ethic Foundation, University of Tübingen, Germany, January 2002, available at:
http://www.weltethos.org/1-pdf/20-aktivitaeten/eng/we-reden-eng/speech_Robinson_eng.pdf
10. Viljoen, Frans, *International Human Rights Law in Africa* (Oxford University Press, 2007),15.